

## مروری

بر

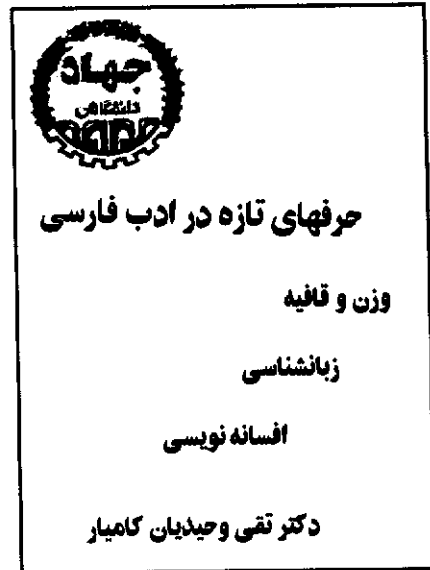
# «حرفهای تازه در ادب فارسی»

اصغر ارشاد سرابی

هزار نقد به بازار کاینات آرند  
یکی به سگه صاحب عیار ما نرسد  
«حافظ»

زبانشناسی ساختاری (structural linguistics) در سده نوزدهم میلادی به وسیله فردینان دو سوسور (de saussur) - پدر زبانشناسی جدید - مطرح گردید. زبان از منظر این دانش، نظام طرح داری است که از عناصر وابسته به هم تشکیل شده است. مکتب زبانشناسی ساختاری یا توصیفی، توصیف زبانهای انسانی و شناسایی ویژگیهای ساختی آنها را وظیفه زبانشناسی می داند.<sup>۱</sup> یکی از ملاحظات زبانشناسی ساختاری دستیابی به روشی بوده که بتواند به حقایق زبان پی برد و محورها و کانونهای متون ادبی را درک کند و در تحلیل زبانشناسانه و تفکیک شیوه مند آثار ادبی توانا گردد. تحول زبانشناسی بویژه به لحاظ ساختاری در قرن حاضر، چشم انداز تازه ای برای مطالعات زبان و ادبیات گشوده است.<sup>۲</sup>

سوسور برای مطالعات زبانی دو نوع زبانشناسی همزمانی



حرفهای تازه در ادب فارسی، دکتر تقی وحیدیان کامیار،  
(چاپ اول: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید  
چمران، اهواز، ۱۳۷۰)، وزیر.

۱. ر. ک: سید جلیل ساغروانیان، فرهنگ اصطلاحات زبان شناسی، چاپ اول، نشر نما، مشهد ۱۳۶۹، ص ۲۸۳-۲۹۱.
۲. ر. ک: مانفرد بی روش، زبانشناسی جدید، ترجمه محمدرضا باطنی، چاپ اول، انتشارات آگاه، تهران ۱۳۷۰، ص ۱۴.

(synchronic linguistics) و زبان‌شناسی در زمانی (Diachronic linguistics) را ارائه داد و معتقد بود که این دو شیوه نباید با هم آمیخته شوند. زبان‌شناسی همزمانی (ایستا) ساختمان زبان را در زمانی معین و بدون توجه به منشأ و تحوّل تاریخی آن توصیف می‌کند و زبان‌شناسی در زمانی (پویا) و یا «تاریخی» تغییر زبان را در طول زمان مورد بررسی قرار می‌دهد و قوانینی را که بر تغییر و تحوّل آن حاکم بوده است، بازمی‌شناسد.

بطور کلی زبان‌شناسی ساختارگرایی با همه مکتبهایی که به صدور احکام کلی می‌پردازند، مخالف است و می‌کوشد برای ادبیات و هریک از گونه‌های ادبی توجیهی زبان‌شناختی بیابد. برای نیل به این هدف لازم می‌داند که همه پیش‌فرضها و برداشتهای کلی کنار گذاشته شود. به عبارت دیگر احکام زبان‌شناختی نوین بر مشاهدات عینی قرار دارد؛ در حالی که اکثر مطالعات قدیمی زبان فاقد یک بنیان علمی بوده و بیشتر بر حدس و تصورات فردی متکی است.

مطالعات ساختارگرایی و زبان‌شناختی ادبیات در ایران بسیار نوپاست و به قول یکی از صاحب‌نظران این فن: «هنوز کتابی منتشر نشده است که نویسنده آن مدعی باشد به بررسی ادبیات از دیدگاه زبان‌شناسی پرداخته است.»<sup>۳</sup> اما تحلیلهای زبان‌شناختی در زمینه عروض جزو کار برخی از محققان معاصر ایرانی قرار گرفته است. دکتر پرویز خانلری آغازگر این راه بود و سپس کسانی همچون ابوالحسن نجفی، سیروس شمیسا و وحیدیان کامیار در این راه گام نهادند. امروزه علاوه بر دانش عروض، دستور و تا حدودی سبک‌شناسی در زمره پژوهشهای زبان‌شناسان به شمار می‌آید.

از جمله این مساعی کتاب حرفهای تازه در ادب فارسی است، شامل نوزده مقاله در پنج بخش مستقل که دکتر تقی وحیدیان طی سالیان دراز ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰، سال انتشار کتاب آنها را به تنوابع به رشته تحریر درآورده است. موضوع بیشتر این مقالات حوزه تخصصی مؤلف یعنی زبان‌شناسی را دربر می‌گیرد. عشق به پژوهش از یک سو و احساس حمیت از دیگر سو، وی را بر آن داشته تا در وصول به مبانی علمی و حل برخی معضلات رشته خود، نهایت جدیت را مرعی دارد.<sup>۴</sup>

نویسنده کتاب از سر اضطرار می‌پذیرد که در اخذ علوم جدید و تکنولوژی، به غرب نیاز مندیم اما دریغش از آن است که چرا مردم این سرزمین کهن - که روزگاری شبچراغ روزگاران بود - به سرچشمه‌ای دانش و صنعت زمان راه نیافته و شوکت و اعتبار دیرین خود را از یاد برده است! و هنگامی که درمی‌یابد در زمینه‌های فرهنگ و علوم انسانی هم چشم به

حاصل پژوهشهای بیگانگان دوخته ایم، دریغ مندی و تأثر او فروتر می‌شود. او در پیشگاه (ص ۴) با زبانی ساده و بی‌پیرایه چنین می‌نویسد: «... ما اگر در علوم جدید و تکنولوژی نیازمند غرب هستیم، آنقدر عجیب نیست که در مسائل فرهنگی خودمان محتاج غربیان باشیم. واقعاً مصیبت است که ما خود برای تحقیق در دستور زبان فارسی، عروض و قافیه شعر فارسی ... تن به کار ندهیم و دست نیاز به سوی بیگانگان دراز کنیم ...».

اما موضوع بخشهای پنجگانه کتاب حرفهای تازه در ادب فارسی و شمار مقالات آن به شرح زیر است:

بخش یک: عروض (هشت مقاله)

بخش دو: قافیه (دو مقاله)

بخش سه: زبان‌شناسی (هفت مقاله)

بخش چهار: هنر افسانه‌نویسی (یک مقاله)

بخش پنجم: ادبیات یا متن خوانی (یک مقاله)

مقالات مندرج در این کتاب از نظر اهمیت و تازگی موضوع تحقیق - همان طور که در پیشگفتار آمده است - به چند دسته تقسیم می‌شود:

نخست، مقالاتی که در آن مباحثی جدید برای نخستین بار مطرح گردیده است. مانند مقالات: ماضیهای نقلی، فارسی مؤدبانه، بررسی قافیه شعر فارسی، نامهای خاص و نظریه اطلاع، افسانه‌نویسی، آهنگ در فارسی، نقشهای تکیه در فارسی و بررسی اوزان تکیه.

دو دیگر، گفتارهایی که در آنها بعضی نظریات و دیدگاههای دانشمندان اعم از قدیم و معاصر که نادرست می‌نموده - بویژه

۳. کورش صفوی، از زبان‌شناسی به ادبیات، نشر چشمه، جلد اول، چاپ اول، تهران ۱۳۷۳، ص ۱۲۳.

۴. بعضی از حقیقت‌گوییها و دقتهای علمی مؤلف سبب شده تا برخی از مدعیان پخته‌خوار و ابن‌الوقت با وی به تقار برخیزند و در عین حال رندانه دست در همیان دانش او برده و حاصل یک عمر تحقیق وی را ربوده و در آشفته‌بازارهای بی‌مناط به نام خود بفروشند. مؤلف از این بابت دلتنگ است و شکوه می‌کند، گویی عقیق او دل پرخونی از یمن دارد. (ر.ک: پیشگفتار ص ۴)

درباره وزن شعر - مورد تحقیق و ارزیابی قرار گرفته و نادرستی نظر آنان به شیوه علمی اثبات و آشکار گردیده است؛ همچون: اوزان ایقاعی، وزن فهلویات کمی است نه هجایی و منشأ عروض فارسی.

سه دیگر، گفتارهایی است درباره مطالبی که محققان دیگر، قبلاً درباره آنها اظهار نظر کرده اند؛ اما مؤلف با کنجکاوی و تحقیق، آن مباحث را تکمیل کرده است، مانند: جمله های شرطی، اوزان دوری.

اینک به شرح اجمالی بخشهای پنجگانه کتاب می پردازیم: مقالات بخش یک که تحت عنوان کلی عروض آمده است، اهمیت ویژه ای دارد. این مقالات حاصل تخصصی ترین کار مؤلف است.<sup>۵</sup> در دهه های اخیر کتابهای متعددی درباره عروض انتشار یافته است و از گذشته تا به حال فرا گرفتن قواعد اوزان شعر فارسی، مطابق با عروض سنتی بسیار دشوار بوده و به قول محمد تقی بهار: «عروض از مشکلترین و پرزحمت ترین علوم است و علمی است که جز با حافظه قوی، محال است که بتوان آن را فرا گرفت». <sup>۶</sup> داستانی که محمد جریر طبری در تاریخ طبری نقل کرده است - اَمْسِیْتُ غَیْرَ عَرَوْضِیًّا وَ اَصْبَحْتُ عَرَوْضِیًّا - اگر راست باشد، می نماید که وی از نوادر روزگار بوده است.

مقاله «عروض فارسی در یک مقاله» (ص ۲۷-۲۹) شیوه یادگیری عروض را، بسیار ساده و روشمند، به دانشجویان یاد می دهد. مؤلف، طرح جدید عروض را در سال ۱۳۵۲ به وزارت آموزش و پرورش ارائه داده است. عروضی که هم اکنون در سال چهارم رشته علوم انسانی - اعم از نظام قدیم و دوره پیش دانشگاهی - تدریس می شود براساس همان طرح و همین مقاله است. در این روش، حتی به فراگیری الفبای فونیتیک و همچنین اصطلاحات عجیب و غریب عروض عرب، نیازی نیست.

مؤلف در مقاله «بررسی منشأ عروض فارسی»<sup>۷</sup> (ص ۳۱-۴۷) نظریه دانشمندان بسیاری - اعم از قدما و معاصران و مستشرقان - که منشأ وزن شعر فارسی را مأخوذ از شعر عرب دانسته اند، مردود می شمارد و با ارائه دلایل ثابت می کند که عروض فارسی از عروض عرب گرفته نشده است.

در هریک از دیگر مقالات بخش یک، نکته ای باریک مطرح و گرهی گشوده می شود. و چون شرح مفصل موضوع هریک از آنها در این مجال نمی گنجد، تنها به عنوان آنها اشاره می کنیم: تکیه و وزن شعر فارسی، بررسی اوزان دوری، اوزان ایقاعی، بررسی وزن شعر عامیانه، وزن فهلویات کمی است نه هجایی،

بررسی اوزان نوحه ها.

بخش قافیه شامل دو مقاله است. در گفتار «بررسی قافیه در شعر فارسی» مشکل عمده ای از سر راه محققان برداشته شده است. توضیح این که چون علمای بلاغت در گذشته حروف را به جای آن که به مصوّت و صامت تقسیم کنند به شیوه ای غیر علمی به ساکن و متحرک تقسیم می کردند و به علت آنکه ابتدا به ساکن را غیر ممکن می دانستند و نیز بدان جهت که حرکات فتحه، ضمه، کسره را حرف نمی دانستند، در نتیجه قافیه را به شیوه ای غیر علمی تدوین می کردند که فرا گرفتن آن نیز دشوار بود؛ بویژه که علاوه بر داشتن اصطلاحات عجیب و غریب، تحت تأثیر قواعد قافیه شعر عرب نیز بوده است. همچنین مؤلف نظر گذشتگان را در مورد تعریف قافیه ناقص می داند، زیرا معتقد است آنان همان قواعد شعر عرب را درباره قافیه شعر فارسی صادق دانسته اند. مهمترین مورد اختلاف این است که قواعد قافیه شعر عرب بر پایه شکل ملفوظ و مکتوب است در صورتی که قافیه شعر فارسی بر مبنای صورت ملفوظ پایه گذاری می شود نه آنچه مکتوب است.

۵. دکتر وحیدیان در دانش عروض فزون از بیست سال، تجربه تدریس و تألیف دارد و در این فن مدعی نوآوری است، اما این میدان خالی از حریف نبوده است؛ مثلاً دکتر حمیدی شیرازی در مقدمه هروض حمیدی (ص ۴-۵) آورده است: «من می خواهم با انتشار این کتاب ... غذاهای مانده و گلوگیری را که احتمالاً منجر به هلاک می گردد، برچینم و به جای آنها خوردهای مقوی تر، لذیذتر و گواراتری بگذارم و برای این پذیرایی نزدیک به بیست سال است که اوقات بیکاری و نیروی جوانی خود را به خدمت گماشته ام»؛ ایضاً دکتر شمیسا در (ص ۷) پیشگفتار کتاب آشنایی با هروض و قافیه چنین نوشته است: «... من خوشحالم که سرانجام عروض علمی جدید - که عمده اصول آن به وسیله بزرگان تحقیق شده اما اینجا و آنجا پراکنده بود و من خلاصه یی از آنها را در این کتاب گرد آورده بودم - در مدارس و دانشکده های ما مرسوم شد».

۶. محمد گلبن، بهار و ادب فارسی، چاپ دوم، انتشارات فرانکلین، تهران ۱۳۵۱، ج ۱، ص ۸۲.

۷. این مقاله، نخستین بار در هشتمین کنگره تحقیقات ایرانی (تهران ۱۳۵۰) ارائه شده است و بعدها با اضافاتی به صورت کتابی مستقل با نام بررسی منشأ وزن شعر فارسی - مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس، چاپ اول، ۱۳۷۰ - چاپ شده است.

در بخش سوم، هفت مقاله آمده که با مقوله های دستوری و زبان‌شناسی ارتباط دارد. بیشتر مقالات این بخش برای اولین بار مطرح شده است. از جمله مقاله «نقدی بر تاریخ زبان فارسی و نکاتی درباره فعل مرکب» که بر جلد دوم کتاب تاریخ زبان فارسی تألیف دکتر پرویز نائل خانلری نوشته اند، هم به جهت مباحث دستوری و هم به علت نقد کتاب حائز اهمیت است. دکتر وحیدیان ضمن نقد و بررسی آن کتاب، بسیاری از فعلهای دو جزئی را که خانلری در ردیف فعلهای مرکب آورده، مردود می شمارد. معیاری که ارائه می دهد، این است که عنصر اسمی یا صفتی فعل مرکب نباید گسترش پذیر باشد، یعنی جزء قبل از فعل صفت، مضاف الیه، راء نشانه مفعول و یای نکره و پسوند «تر» نگیرد.

در مقاله «فارسی مؤدبانه» تفاوت های فارسی مؤدبانه را با فارسی معمولی مقایسه کرده و تفاوت آنها را پیش از تفاوت گونه مادبانه بسیاری از زبانها - مثلاً انگلیسی، فرانسه، آلمانی ... - با گونه معمولی آن زبانها دانسته است و سرانجام به این نتیجه رسیده که این اختلاف ناشی از علل اجتماعی و وجود اختلاف طبقاتی در جامعه ایران می باشد. همین مقوله را دکتر شفیع کدکنی در یکی از آثار خود به طرز عالمانه از دیدگاه جامعه شناسی ادبیات مطرح کرده است.<sup>۸</sup>

«هنر افسانه نویسی»<sup>۹</sup> (ص ۲۴۱-۲۸۲) تنها مقاله بخش چهار کتاب حرفهای تازه در ادب فارسی است. در این گفتار تعریف افسانه، سابقه آن در ایران، معیارها و تفاوت های افسانه های کهن با اصول داستان نویسی، بشرح آمده است.

بخش پنجم نیز شامل یک مقاله با عنوان «ادبیات یا متن خوانی» (ص ۲۹۱-۲۹۶) است. در این مقاله، سخن بر سر این است که چرا اغلب به دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی، کم کاری و کم سواد را نسبت می دهند؟ چرا اینان شعر را بدرستی نمی شناسند و به ادبیات بی علاقه اند؟ مؤلف در این مبحث، هدفها، برنامه ها و کاستیهای روش تدریس ادبیات را در مقطع کارشناسی بررسی و ارزیابی می کند.

بی شک نظر مؤلف در این مورد نیز متین و بجاست. متأسفانه هنوز متولیان رسمی ادبیات در دانشگاههای ایران، صرف خواندن متون ادبی و بحث در نکات صرفی و نحوی و شرح لغات و اصطلاحات و نظایر اینها را - البته در صورتی که از عهده همین موارد هم برآیند ادبیات قلمداد می کنند. آنچه در تدریس متون ادب دانشگاهی مورد توجه قرار نمی گیرد، همان بررسی و تجزیه و تحلیل هنری است.<sup>۱۰</sup> صاحب نظری در این باره می نویسد: «سعی بسیاری از ادیبان و پژوهندگان ما به

مباحث تاریخی، لغوی، دستوری، نسخه شناسی و تحقیق در متون بیشتر مصروف شده است تا به نفس ادبیات، یعنی به جوهر و روح ادب و به نقد ادبی کمتر پرداخته ایم».<sup>۱۱</sup>

دکتر وحیدیان در مقاله «ادبیات یا متن خوانی» چنین نتیجه می گیرد که چون در دانشکده های ادبیات؛ نقد ادبی، داستان نویسی، مقاله نویسی، ادبیات معاصر و اروپا تدریس نمی شود؛ دانشجویان ورزیدگی لازم را در این رشته ها به دست نمی آورند. در همین مورد می نویسد: «معلوم نیست چه حکمتی است که نمی خواهیم دانشجویان با ادب نو آشنا شود، در صورتی که شناخت ادب معاصر ضروری تر از شناخت ادب کهن است».<sup>۱۲</sup>

موردی که بدان اشارت رفت، دردی کهنه است و

۸. ر. ک: مفلس کیمیا فروش، انتشارات سخن، چاپ اول، بهار ۱۳۷۲، ص ۸۵-۹۵، با عنوان «شناور شدن زبان و رشد آن با خود کامگی».

۹. رساله دوره کارشناسی مؤلف در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی (۱۳۳۹) قصه پردازی نام دارد. مقاله «هنر افسانه نویسی» بر اساس همان رساله و چهار سخنرانی از رادیو اهواز تنظیم یافته است. بنابر توضیح زیر نویس صفحه ۲۴۱ کتاب حرفهای تازه در ادب فارسی، بر اساس همین رساله مذکور مشغول نوشتن کتابی جدید هستند.

۱۰. مؤلف برای نشان دادن اختلاف دید و شیوه های متباین تجزیه و تحلیل ادبیات، دو مقاله از دو استاد را - که در ذیل می آوریم - ارجاع داده است:

الف - بدیع الزمان فروزانفر، «شرح غزلی از حافظ»، مجله پنما، سال ۲۳، ص ۳۳۹ و ۴۰۰ و ۵۹۰ به بعد و سال ۲۴، ص ۲۱۴ و ۲۸۸ به بعد.

ب - محمد علی اسلامی ندوشن، «تأمل در حافظ»، مجله پنما، سال شانزدهم، شماره ۵. قابل توضیح این که شرح و تفسیر استاد فروزانفر به شیوه سنتی و متداول است؛ یعنی به توضیحات لغوی و اصطلاحات عرفانی و فلسفی می پردازد و از محدوده مشکلات صوری ابیات غزل فراتر نمی رود. بی تردید این توضیحات برای دانشجویان امروز لازم است ولی کافی نیست. و اسلامی ندوشن چندان توجهی به معنی کردن لغات و اصطلاحات ندارد و بیشتر به نوع ترکیب سازی، آهنگ و ظنین کلام، موسیقی شعر، کیفیت وزن و قافیه می پردازد.

۱۱. دکتر غلامحسین یوسفی، دیدار با اهل قلم، جلد اول، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۵، ص ۱۱.

۱۲. حرفهای تازه در ادب فارسی، ص ۲۹۵.

دانشکده های ادبیات از پیشترها بدان مبتلایند. برآستی که وضع و حال عمومی ادبیات در دانشگاه های ایران مثل حال و روز علم کلام در مدرسه هاست که بدان نیم نگاهی هم نمی شود. این سخن دردمندانۀ صاحب دلی زاهل مدرسه، وصف حال جماعت ادب دوست دانشگاه نیز هست: «تحقیق درباره اصول دین (علم کلام)، فرع گردیده و تحقیق درباره فروع دین (علم فقه)، اصل گردیده است. یک صدم آن تأملات و تدقیقاتی که در فقه شده - و اگر در اتم می شد، شکافته می شد - در علم کلام نشده است» و سپس می افزاید: «برخی به هر چیز که مهر جدید بر جبین دارد، بی مهری می کنند و از نوگرایی هراس دارند. از همین روست که گفته اند: عَلَيكُمْ بِالْعَتِيْقِ وَأَيَّاكُمْ وَالْمُحَدَّثَاتِ...»<sup>۱۳</sup>

#### ارزیابی نهایی

از محتوای نوزده مقاله کتاب حرفهای تازه در ادب فارسی چنین برمی آید که دکتر وحیدیان کامیار در کار خود روشمند و کامگار است. یکی از رموز توفیق وی آن است که پراکنده کار نیست و حتی الامکان از محدوده رشته تخصصی خود یعنی زبانشناسی خارج نمی شود. آنچه مؤلف در زمینه های عروض، قافیه و دستور بر مبنای معیارهای زبانشناسی نوشته اند؛ تحقیقی، نظام مند و حائز اهمیت است. اما اگر بنا شود با دیگر مقله های ادبیات، مانند نقد ادبی، معانی و بیان درگیر شود؛ به توانمندی و ذوق بیشتری نیازمند است.

توضیح اینک در دوران معاصر نقد ادبی از یک سو و زبانشناسی از دیگر سو تکامل یافته و بال در بال به یکدیگر یاری می رسانند. بی شک اگر محقق به همان اندازه که زبانشناس و عروضی است ادیب و سخنشناس هم باشد، توفیق بیشتری به دست می آورد. یکی از اهل همین فنون می نویسد: «حقیقت این است که اگر زبانشناسی آن اندازه ادیب باشد که بتواند متون ادبی را هم بررسی کند یا ادیبی آن اندازه زبانشناس باشد که در بررسی خود از قوانین علمی و مسلم زبانشناسی غافل نماند؛ می تواند سبک شناس هم باشد. به عبارت دیگر سبک شناسی ادبی کار زبانشناسان ادیب و ادبای زبانشناس است».<sup>۱۴</sup>

هرچند که دانش زبانشناسی هنوز - متأسفانه - بر ذهن ادب مداران و استادان مدرسه ای تأثیر نگذاشته است، اما - در عین حال - دکتر وحیدیان با همین خفتان یک رویه سینه پوش زبانشناسی قدم به میدان رویارویی با گردانی ادیب گذاشته و ظفر مند بازگشته است.<sup>۱۵</sup> او برای تحریر حقیقت، پروای آن ندارد که گهگاه - پیرانه سر - به عرصه نقد روی نهد.<sup>۱۶</sup>

اگر بخواهیم بطور اجمالی کتاب حرفهای تازه در ادب فارسی را به قول اصولی ها «تنقیح مناط» کنیم، موارد زیر به ترتیب بخشهای پنجگانه آن قابل طرح و ارزیابی است:

- دکتر خانلری و دیگر عروضیان پیرو ایشان، از طرح و نامگذاری بحور عروضی در گذشته اند. بهانه آنان این است که زحافات، امری دشوار، پیچیده و حتی غیر قابل فهم است و نباید توان و استعداد جوانان را در این راه به هدر داد. اگر بخواهیم سلسله اوزان پیشنهادی دکتر خانلری را در کتاب وزن شعر فارسی<sup>۱۷</sup> نامگذاری کنیم، به اشکال برمی خوریم.

دکتر وحیدیان نیز به نامگذاری اوزان چندان عنایتی ندارد؛ مثلاً وزن فعلاتن فعلاتن فعلن را در ص ۲۵ «رمل مسدس محذوف» و همین وزن را در ص ۲۸ «خفیف مسدس مخبون» نامیده است و حال آن که نام صحیح وزن «رمل سدس مخبوب محذوف» است. نکته دیگر این که وقتی مدعیان علم عروض و مدرسان این درس در مقطع دانشگاه از نامگذاری و تبیین اوزان و بحور عروضی شانه خالی می کنند؛ چه کسانی باید مسؤلیت و وظیفه نگاهداری و انتقال بحور عروضی را به عهده بگیرد!

- همچنان که مذکور افتاد، بخش قافیه، هم در این کتاب و

۱۳. محمد اسفندیاری، «کتابشناسی توصیفی کلام جدید»، نقد و نظر، سال اول، شماره دوم، بهار ۱۳۷۴، ص ۲۱۲-۲۱۳.

۱۴. دکتر سیروس شمیسا، کلیات سبک شناسی، انتشارات فردوس، چاپ اول، تهران ۱۳۷۲، ص ۱۱.

۱۵. بی شک هدف از نقد، مخاصمت و معاندت و خرده گیریهای یک جانبه و یا بالعکس مدهانت و تمجید صرف از یک اثر نیست.

۱۶. نقدهایی که مؤلف بر بعضی از کتابها نوشته، علمی و مستند و در عین حال متین و منصفانه است؛ برای نمونه ذیلاً نشانی دو نقد، بر کتاب دکتر خانلری و دکتر شفیعی آورده می شود:

الف - «نقدی بر تاریخ زبان فارسی و نکاتی درباره فعل مرکب»، حرفهای تازه در ادب فارسی، ص ۲۰۱-۲۱۳.

ب - «کتاب موسیقی شعر و منشاء وزن شعر فارسی، بررسی منشاء وزن شعر فارسی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس، چاپ اول ۱۳۷۰، ص ۱۳۳-۱۵۷.

۱۷. انتشارات توس، چاپ چهارم، تهران ۱۳۶۱.

هم در کتابهای قافیه و عروض سال چهارم انسانی نظام قدیم و دوره پیش دانشگاهی (تألیف مؤلف، ۱۳۷۴) نسبت به کتابهای گذشته، علمی و روشمندتر است، اما برخی تبصره‌ها -مانند تبصره شماره ۸ در ص ۹ و یا تمرین (ج) در ص ۱۵- در کتاب چهارم؛ فهم مطالب را دشوار و توالی آنها را پریشان کرده است.

- در دهه های اخیر تحقیقات تازه ای درباره افسانه و داستان نویسی صورت گرفته که برای مؤلف مراجعه به آنها، لازم می نمود است. طی متن مقاله «هنر افسانه نویسی» به هیچ کتابی ارجاع داده نشده است و مشخص نیست از منابعی که در منابع پایانی از آنها نام برده شده، تا چه حد سود جسته اند؟ این منابع پایانی در ضمن مطالعه مقاله، پا به پای خواننده پیش نمی رود و به او مدد نمی رساند. بطور کلی این مقاله بیش از آن که شکل و شمایل تحقیقی داشته باشد؛ پرهیزی روایی دارد.

از همین رهگذر، با آنکه پژوهشها و جستجوهای علمی مؤلف -در اثبات یا نفی موضوعهای تحقیقی، حتی در بررسی کارهای محققان غربی- به مجموعه کار وی و جاهت و سنگینی درخور احترامی بخشیده است؛ در عین حال همه مقالات این کتاب ارزش همسانی ندارد و غث و ثمين در آنها به چشم می خورد.

- همه نکته ها و کاستیهایی را که مؤلف در شیوه تدریس و تدوین کتب دانشکده های ادبیات ایران بر شمرده، منطقی و صحیح است، اما طرح این قبیل موارد، مطالبی نیست که تنها مشارالیه برای نخستین بار به آنها پی برده باشد؛ بلکه نویسندگان تیزبین و اهل درد از پیشترها، به مناسبتهای مختلف در لابه لای مقالات و آثار خود به این دردهای کهنه اشاره کرده اند. مثلاً سالها پیش نقادی در همین مورد چنین نوشته است: «وقت آن رسیده است که رشته های ادبیات فارسی از این اسبهای چوبی پیاده شوند، این غلافهای خالی را به کناری بنهند... باید در رشته های ادبیات فارسی را تخته کرد و یا راه دیگری اندیشید... در رشته های ادبیات فارسی باید روش تدریس و تحقیق عوض شود؛ یعنی روش تحقیق و تدریس باید کاملاً جدید شود و حتی در مورد ادبیات گذشته هم باید چشم درونی مدرسان به عینک تیزبین تجدد مسلح شود...»<sup>۱۸</sup>

- اغلب مقالات مندرج در این کتاب، قبلاً چاپ شده و گاه یک مقاله -با محتوای یکسان ولی نامهای متفاوت- هر روز به رنگی در مجلات مختلف به جلوه آمده است. متأسفانه این شیوه کاسه به کاسه کردنها و رسم انتزاع و امتزاج مقالات و تألیفات،

اینک عادت بیشتر استادان روزگار ما شده و به صورت سنتی متداول درآمده است. این کار نه تنها سبب انتعاش افکار و ارواح خوانندگان نمی گردد، بلکه آرام آرام مایه های انجماد و عدم پویایی و نوآوری محققان را نیز فراهم می آورد.<sup>۱۹</sup>

- کتاب آرای، نمط یابی و نامگذاری کتاب از اهمیتی ویژه برخوردار است. نام هر کتاب -راست- همچون شیخه<sup>۲۰</sup> تسبیح است که همه دانه های متقارن و همتای دو سوی آن را انتظام می دهد. بنابراین نامه یک کتاب نیز تمام فصلهای کتاب را شیرازه می بندد. عنوان نهادن حرفهای تازه در ادب فارسی بر نوزده مقاله که طی بیست سال به تفاریق فراهم آمده است، چندان مناسبت ندارد و مصداق نمی یابد؛ هر چند هر مقاله در دوره خود از جوانی و تازگی و حرف تازه هم برخوردار باشد.

- نشر دکتر وحیدیان در این کتاب و دیگر آثارش ساده و بی پیرایه و از عیب و بیماری به دور است؛ در عین حال نغز و مایه دار هم نیست و آن جا افتادگی، استواری و سلامت ذوق که ویژه بسیاری از استادان همسان و سان دکتر وحیدیان است در شیوه نگارش ایشان به چشم نمی آید و باصطلاح محدثان «معرفت لحن»<sup>۲۱</sup> ندارد.

۱۸. دکتر رضا برهانی، تاریخ مکتب فرهنگ حاکم و فرهنگ محکوم، نشر اول، چاپ اول، تابستان ۱۳۶۳، ص ۱۰۰-۱۰۱؛ ایضا از همین نویسنده ر. ک: قصبه نویسی، نشر نو، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۲، مقدمه کتاب.

۱۹. مثلاً تجربه ای ارزنده ای را که در روش تدریس عروض به دست آورده اند، با شیوه واحد و نامگذاریهای متفاوت به چاپ رسانده اند: السف- قافیه و عروض برای سالهای چهارم و دوره پیش دانشگاهی رشته های علوم انسانی (در مقطع متوسطه). ب- عروض فارسی در یک مقاله، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی دانشگاه فردوسی، سال ۱۶، شماره اول ۱۳۶۲. ج- «روش ساده در آموزش عروض، مجله رشد ادب فارسی، شماره ۳، پاییز ۱۳۶۴. د- عروض فارسی در یک مقاله، مندرج در همین کتاب: حرفهای تازه در ادب فارسی.

۲۰. یا آخوندک، امام، مقری به بزرگترین مهره استوانه ای شکل تسبیح اطلاق می شود که مهمترین پایگاه را دارد.

۲۱. اصطلاحی است که گاهی در علم درایه به کار می رود و مراد آن آشنا بودن به سبک حدیث است. ر. ک: دکتر سیروس شمیسا، کلیات سبک شناسی، ص ۱۱۲.

برای آشنایی خوانندگان محترم با نشر کتاب حرفهای تازه در ادب، دو نمونه ارائه می شود: «... مدعیانی که همیشه بی رنج گنج برمی دارند و حرف می زنند و ناخنکی به این مقاله و آن مقاله، سپس مطالب دیگران را بی آنکه تازه ای بر آنها بیفزایند سرهم بندی می کنند و برای رد گم کردن تغییراتی نادرست در آنها می دهند...» (ص ۳)؛ «به هر حال اکنون که اجتماع به زبان و ادب فارسی ارجی که شایسته آن است، نمی نهد و ما نمی توانیم مشکلات ناشی از اجتماع را بر طرف کنیم، دست کم باید اشکالاتی که از خود ما هست، بر طرف کنیم و شک نیست که اگر به هدف رشته زبان و ادب فارسی بیشتر توجه کنیم و با ضوابط علمی دروس را برنامه ریزی نماییم و با روش پیشرفته ای به امر تدریس پردازیم، در آینده دانشجویانی باسوادتر و اهل مطالعه و علاقه مند به تحقیق تربیت خواهیم کرد و این باعث خواهد شد که اجتماع نیز به زبان و ادب ارجی بیشتر بگذارد» (ص ۲۹۶).

به آن جهت که هدف مؤلف منحصرآتحقیق درباره زیانشناسی و متفرعات آن است؛ از نثر انحصاراً برای ابلاغ معنا استفاده می کند و به آرایه بندی و عذویت کلام اعتنایی ندارد. در نتیجه پاره ای سهو القلم ها نیز به لایه لای نوشته های ایشان راه یافته است. به عنوان مثال:

«در ص ۱ آمده است: «گفتارهایی که در آنها بعضی نظرات دانشمندان، چه معاصر و چه قدیم که نادرست می نمود...». «نظرات» جمع «نظره» و «نظریات» جمع «نظریه» است. «نظره» در فرهنگها به معنی «یک نگاه» یا «چشمک» آمده است. از طرفی به کاربردن «نظرات» به عنوان جمع «نظر» نادرست است و نمی توان آن را به «ات» جمع بست و به جای آن بهتر است «نظرها» یا «آراء» را به کار برد.

ص ۲۰۲ و چند جای دیگر «می بایست» را چنین به کار برده اند: «در بحث معارضه فارسی و عربی از برخورد دو زبان فارسی و عربی سخن رفته و حال آن که در همین مبحث می بایست به تفصیل از برخورد دو زبان فارسی و عربی صحبت شود...». در صورتی که دستورنویسان برآنند که: «فعل باید و می باید را برای زمان حال و آینده به کار می برند و فعلهای بایست و می بایست و بایستی را برای زمان گذشته اختصاص می دهند و با فعل ماضی استمراری به کار می برند».<sup>۲۳</sup>

همچنین در این کتاب برخی اهمالها و کاستیهای دیگری هم خود می نماید، از جمله:

«چنین متداول است نامهای خارجی را علاوه بر آن که به فارسی می نویسند؛ در داخل پرانتز و یا در زیرنویس به صورت

لاتین هم می آورند. این امر سبب می شود تا پژوهشگران در صورت نیاز با سهولت بیشتری بتوانند، به دایرةالمعارفهای خارجی مراجعه کنند. در این کتاب نام بسیاری از محققان و زبانشناسان خارجی همچون: میلر (۱۰۳)، مارتینه (۱۶۶)، فرگوسن (۱۶۸) و الول ساتن (۱۷۴) بدون معادل لاتین آمده است. همچنین در پایان آن هیچ گونه فهرستی - لااقل اشخاص و اصطلاحات - وجود ندارد.

دیگر آن که شیوه رسم الخط مؤلف مغایر با اصول رایج کتابهای نگارش و ویرایش است، اما در همان طریقت خویش نیز یکرویه نیست و قبض و بسط در آن فراوان است. از تفصیل این مقال در می گذاریم و تنها به موارد زیر که به دو صورت فصل و وصل نوشته شده، بسنده می کنیم:

آن جا (ص ۲۹۰)، آنجا (۱۴۲)؛ این گونه (۷۷، ۸۲)، اینگونه (۷۶، ۱۵۶)؛ این که (ص ۳، ۴۴)، اینک (۱۶۶)، این (۲۹۰)؛ در صورتی که (۵۴، ۲۸۴)، در صورتیکه (۲۵۶)؛ این است (۲۵۶، ۲۷۲)، اینست (۴۵، ۲۱۰).

چاپ این کتاب آراسته و برازنده از آب درنیامده است. هیأت صوری و نوع خط، صفحه آرایی، صحافی آن به لحاظ اصول فنی، مطلوب و هنری نیست. و بدان جهت که از جلوه های دلبری و گلگونه های مشاطگان کتاب آرای بی بهره است؛ محجوب و ناشناخته مانده و در بیرون حوزه های دانشگاهی چندان نامور نگردیده است.

شایسته آن بود که استادی زبانشناس و پخته کار به نقد و بررسی حرفهای تازه در ادب فارسی می پرداخت و با شیرین قلمی جنبه های تخصصی آن را باز می نمود.



۲۲. ر. ک: ابوالحسن نجفی، غلط نویسیم، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۰، ص ۳۹۱.

۲۳. دکتر حسن احمدی گیوی / دکتر حسن انوری، دستور زبان فارسی، انتشارات فاطمی، تهران، خرداد ۱۳۶۴، ص ۶۹.